



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۷۹	تاریخ	۱۴۰۳/۱۱/۲۷
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادلّه قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	دلیل سوم: استدلال به سیره				
عنوان ۵	اشکال رادعیت آیات ناهیه از عمل به ظن از سیره عمل بر خبر واحد				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

بیان محقق اصفهانی رحمته الله در پاسخ به اشکال

وجه چهارم در پاسخ از استدلال به آیات ناهیه از عمل به ظن بر نفی حجیت خبر ثقه، وجهی است که محقق اصفهانی رحمته الله بیان می کنند. خلاصه این وجه این است که آیات نمی توانند رادع از حجیت خبر ثقه باشند؛ زیرا در این صورت، قیام سیره علی النقیضین لازم می آید؛ به این معنا که هم سیره بر حجیت خبر ثقه قائم باشد و هم سیره بر عدم حجیت خبر ثقه، و این لازم باطل است. پس رادعیت این آیات از عمل به خبر ثقه باطل است و نمی توانند رادع از حجیت خبر ثقه باشد؛ زیرا این لازم فاسد، بر آن مترتب می شود.

اکنون باید توضیح داد که چگونه از رادعیت آیات از حجیت خبر ثقه، قیام السیره علی النقیضین لازم می آید که امری محال است. برای روشن شدن اجزای این استدلال، این مطلب را در پنج بند بیان می کنیم:

بند اول: فرض بر این است که سیره عقلایی بر حجیت خبر ثقه برپا شده است. این فرض اصلی ماست و بحث در این است که آیا از این سیره ردع شده است یا خیر؛ اما اصل قیام سیره عقلایی بر حجیت خبر ثقه - با همه تقریراتی که قبلاً بیان شد - محل بحث نیست.

بند دوم: کسی که مدعی ردع است و می گوید آیات ناهیه از عمل به ظن، رادع از حجیت خبر ثقه هستند، به ظهور آیات ناهیه تمسک می کند و می گوید ظهور آیات ناهیه از عمل به ظن، رادع از حجیت خبر ثقه است. رادعیت آیات، متوقف بر همین ادعای ظهور است.

بند سوم: دلیل بر حجیت ظهور نیز سیره عقلایی است. به جز سیره عقلایی، دلیلی بر حجیت ظهور وجود ندارد.

بند چهارم: با توجه به سه بند قبلی، نتیجه این می شود که سیره عقلایی قائمه بر حجیت ظهور، می گوید سیره قائمه بر حجیت خبر ثقه غلط است. به عبارت دیگر، دو سیره متناقض وجود دارد: یک سیره، سیره قائم بر حجیت ظهور آیه است که می گوید خبر ثقه حجت نیست؛ و یک سیره، سیره عقلایی قائمه بر حجیت ثقه است که می گوید خبر ثقه حجت است. **بند پنجم (نتیجه گیری):** بنابراین، اگر بخواهیم قائل به این شویم که آیات ناهیه از عمل به ظن، رادع هستند، به این نتیجه و این لازم باطل مبتلا می شویم که یک سیره می گوید خبر حجت است و یک سیره می گوید خبر حجت نیست. از این رو که قیام سیرتین متناقضتین محال است، آیات ناهیه، نمی تواند رادع باشند.

اشکال شهید صدر رحمته الله علیه بر بیان محقق اصفهانی رحمته الله علیه

استاد شهید رحمته الله علیه، دو اشکال بر این بیان وارد می کنند که البته ما هر دو اشکال را مردود می دانیم و به هر دو پاسخ می دهیم:

اشکال اول

استاد شهید می فرماید تناقضی بین این دو سیره وجود ندارد؛ زیرا یکی از این دو سیره، اقتضایی است و دیگری فعلی؛ و بین سیره اقتضاییه و سیره فعلیه، تناقضی نیست.

توضیح اینکه: سیره ای که می گوید ظهور حجت است، بدین معناست که می گوید ظهور، مقتضای حجیت است؛ نه اینکه بالفعل حجت باشد. سیره بر این قائم شده است که ظهور، اقتضای حجیت دارد. اما سیره ای که قائم بر حجیت خبر ثقه است، می گوید بالفعل، عقلاً به خبر ثقه عمل می کنند. پس این سیره، سیره فعلیه است و آن سیره، سیره اقتضایی است و به همین دلیل، تناقضی بین این دو سیره وجود ندارد.

رد اشکال اول

اشکال ما بر این فرمایش این است که اصلاً در سیره، اقتضا معنا ندارد. سیره، همیشه باید فعلیه باشد. یا سیره هست یا سیره نیست. بله؛ ممکن است یک بنای عقلایی وجود داشته باشد، اما سیره عقلاً برخلاف بنای خودشان باشد؛ اما این به این معنا نیست که سیره، اقتضایی است. سیره، یا هست یا نیست. بنای عقلاً، اقتضای سیره دارد؛ در آنجا می تواند اقتضایی باشد. ما در بحث فرق بین بنا و سیره به این نکته اشاره کردیم که بنای عقلایی می تواند اقتضایی باشد؛ یعنی اقتضا این را دارد که سیره بر وفقش باشد، اما ممکن است سیره بر وفق آن جاری نشود، با اینکه بنای عقلایی وجود دارد؛ لیکن خود سیره نمی تواند اقتضایی باشد. در سیره، ذاتاً فعلیت نهفته است. سیره یعنی عمل و عمل، فعلیت دارد. لذا نمی توان گفت یکی از این دو سیره، اقتضایی و دیگری فعلی است.

اشکال دوم

اشکال دوم استاد شهید این است که بر فرض اینکه ادعا کنیم که سیره بر حجیت خبر، بالفعل است (یعنی هر دو سیره فعلیت دارند: هم سیره بر حجیت ظهور، هم سیره بر حجیت خبر)، معنای اینکه هر دو فعلیت دارند، این نیست که سیره دال بر حجیت ظهور، عمل به ظهور را اقتضا می کند. به عبارت دیگر، ایشان می فرمایند بین سیره بر حجیت ظهور و عمل به ظهور، خلط شده است. به همین جهت ممکن است سیره بر حجیت ظهور قائم باشد، اما عقلاً نسبت به آیه دال بر عدم حجیت خبر، عصیان کنند و به خبر ثقه عمل کنند.

به بیان دیگر، معنای معنای اینکه سیره، بر حجیت ظهور قائم است، این است که عقلاً، ظهور را کاشف از مراد جدی می‌دانند. از این رو ممکن است عقلاً، کشف کنند که مراد شارع این است که ظهور آیات ناهیه از عمل به ظن حجت است، اما با این ظهور مخالفت کنند و بر اساس سیره بر عمل به خبر واحد، خبر واحد را حجت بدانند. بنابراین، تناقضی بین سیرتین نیست. اگر کسی ادعا کند که سیره بر خبر واحد، سیره بر حجیت خبر واحد هست، معنایش این است که آنها به خبر واحد عمل می‌کنند. اما سیره بر حجیت ظهور، معنایش این نیست که آنها به ظهور عمل می‌کنند تا شما بگویید دو سیره متناقض وجود دارد؛ بلکه معنایش این است که ظهور را کاشف از مراد می‌دانند، نه اینکه به ظهور عمل کنند. خلاصه اینکه یک سیره، سیره بر کاشفیت از مراد است و یک سیره، سیره قائم است بر عمل به خبر واحد؛ به همین جهت این دو سیره متناقض نیستند.

رد اشکال دوم

در پاسخ به این اشکال باید گفت که اگر عقلاً کاشفیت ظهور از مراد شارع را پذیرفتند، عدم عمل به این کاشفیت، عصیان است و عصیان بر مولا با سیره عقلایی سازگار نیست. عقلاً بما هم عقلاً، برای حرف مولا حجیت قائل هستند و سرسپرده حرف مولا هستند و با آن مخالفت نمی‌کنند. این، مبنای سیره عقلاییه است. عقلاً بما هم عقلاً، ممکن نیست بما هم عقلاً معصیت کنند و از امر مولا سرپیچی کنند. پس اگر ما ادعا کردیم سیره بر کاشفیت ظهور از مراد مولا وجود دارد، معنایش این است که عقلاً بما هم عقلاً به آن عمل می‌کنند. اگر عمل نکردند، این رفتارشان بما هم عقلاً نیست؛ بلکه بما هم عصاة است. خلاصه اینکه معنا ندارد که عقلاً بما هم عقلاً را عاصی بر مولا فرض کرد. بنابراین، هر دو جواب استاد شهید به استدلال محقق اصفهانی وارد نیست.

اشکال بر بیان محقق اصفهانی رحمته الله علیه

ما بر استدلال محقق اصفهانی رحمته الله علیه، اشکال دیگری داریم، غیر از این دو اشکالی که استاد شهید مطرح کردند. این اشکال به همان حرفی برمی‌گردد که سابقاً از خود استاد نقل کردیم. ایشان فرمودند خود قیام سیره بر حجیت خبر ثقه، کاشف از عدم حجیت ظهور آیات ناهیه از عمل به ظن در ردع از ظن خبری است. یعنی شکل‌گیری سیره عقلایی بر حجیت خبر، کاشف از این است که آیات ناهیه از عمل به ظن، ظهور در نهی از حجیت خبر ندارند. به عبارت دیگر، ممتنع است که آیات ناهیه باشند و سیره برخلاف آیات برپا شود.

بنابراین، خود قیام سیره بر حجیت خبر، کشف می‌کند از اینکه این ظهوری که در آیات هست، یا ظهور نیست، یا این ظهور حجیت ندارد.

به عبارت دیگر، سیره بر حجیت خبر ثقه، سیره فعلی است و نمی‌شود این سیره را انکار کرد. همین فعلیت سیره بر حجیت خبر ثقه، کاشف از عدم فعلیت دیگری است؛ اما عدم فعلیت به این معنا که یا ظهور نیست یا حجیت عند العقلا ندارد؛ نه به این معنا که اقتضایی باشد.

اینکه چرا سیره قائم بر حجیت خبر ثقه، از عدم وجود ظهور یا عدم حجیت ظهور کشف می‌کند، بحث دیگری است که یا به دلیل تخصیص است - طبق آنچه مرحوم آخوند معتقد است - یا به دلیل حکومت است - که سخن میرزا بود - یا به دلیل

اینکه گفتیم که نهی در آیات ناهیه از عمل به ظن، نهی ارشادی است و به باب احکام نظر ندارد. اما به هر حال خود قیام سیره عقلایی متشرعه که به آیات قرآنی و احکام ملتزم هستند، بر این است که به خبر واحد ثقه عمل می کنند. خود این عمل، دلیل است بر اینکه آیات ناهیه از عمل به ظن، یا ظهور در نهی از خبر ثقه ندارند، یا اگر دارند، حجیت ندارند. نتیجه می گیریم که تقریب محقق اصفهانی به این شکل نمی تواند تقریب درستی باشد.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين